



خوانش کاربران اینستاگرام از گفتمان «زن سنت‌گرا»

مرضیه خلقتی^۱، حمیده مولایی^۲

دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۲؛ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۱۵

چکیده

هدف این مقاله فهم خوانش کاربران رسانه‌های اجتماعی از گفتمان زن سنت‌گراست که به این منظور ویدئوی موسوم به «تشت شیر» مطالعه شد. این ویدئو بخشی از یک گفتگوی تلویزیونی با یک کارشناس است که به راهکار ابراز علاقه به همسر از طریق شستن پای او در تشت آب یا شیر می‌پردازد. سؤالات اصلی مقاله این است که این ویدئو چه گفتمانی از زن ارائه می‌کند؟ و کاربران اینستاگرام چه خوانشی از این ویدئو براساس نظریه کدگذاری/کدگشایی هال دارند؟ برای پاسخ به سؤال اول از تحلیل گفتمان انتقادی براساس مدل فرکلان استفاده شده است که نشان می‌دهد تأکید آن بر گفتمان زن سنت‌گراست و برای پاسخ به سؤال دوم به تحلیل محتوای کیفی پست‌ها و کامنت‌های اینستاگرام پرداخته شده است. نتایج تحلیل محتوا نشان داد که از میان سه خوانش مسلط-هژمونیک، مذاکره‌ای و متضاد در این رسانه اجتماعی، خوانش متضاد متنوع‌تر و دامنه‌دارتر از سایر خوانش‌هاست.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، زن سنت‌گرا، تحلیل دریافت، اینستاگرام

۱. دانشجوی دکتری، علوم ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

mzkhelghati@ut.ac.ir ✉

۲. استادیار، علوم ارتباطات و رسانه در جنوب شرق آسیا، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

hmolaee@ut.ac.ir ✉

۱. مقدمه

زنان در تاریخ معاصر ایران همواره تحت تأثیر کشمکش میان دو گفتمان سنت و مدرنیته بوده‌اند و در کشاکش این نزاع گفتمانی تلاش کرده‌اند تا علاوه بر تجربه تغییر نقش‌های سنتی در عرصه خصوصی، تجربه زیسته بیشتری در عرصه عمومی به خصوص در حوزه‌های اشتغال و آموزش کسب کنند. از طرفی، کردار اجتماعی بر گفتمان‌های موجود درباره زنان اثر داشته است و از طرف دیگر گفتمان‌ها نیز بر کردارهای اجتماعی تأثیرگذار بوده‌اند.

یکی از بسترهای به‌روز برای ظهور این کشمکش گفتمانی در حال حاضر رسانه‌های اجتماعی هستند زیرا در این رسانه‌ها کاربران امکان تولید محتوا دارند و گفتمان‌هایی که در حاشیه گفتمان مسلط قرار می‌گیرند، در این فضا، امکان بروز بیشتری می‌یابند. در همین رابطه، در اوایل بهمن ماه ۹۶ در شبکه‌های اجتماعی ویدئویی منتشر شد که بسیار بحث‌برانگیز شد. این ویدئو که به «تشت شیر» یا «تشت آب» مشهور شد، بخشی از گفتگوی تلویزیونی سیمای یزد با یک خانم کارشناس بود که گفتمانی از زن سنت‌گرا ارائه کرد. دلیل استفاده از واژه «سنت‌گرا» به جای «سنتی» از سوی محققان، ضرورت تمایزگذاری میان دو وضعیت متفاوت است. منظور از زن سنت‌گرا زنی است که فقط نقش‌های خانگی برعهده ندارد بلکه به تحصیل پرداخته، شاغل است و حتی ممکن است از سبک زندگی مدرن برخوردار باشد اما به لحاظ افکار و نگرش‌ها گرایش به سنت‌ها دارد. این زن برخلاف تصویر زن سنتی است که عموماً خانه‌نشین است و از نظر موقعیت و جایگاه و افکار و نگرش‌ها سنتی است. به همین دلیل زن سنت‌گرا یک گفتمان جدید نیست بلکه صرفاً برای اشاره دقیق‌تر به هویت زنی است که اگرچه از نظر اجتماعی یا اقتصادی وضعیت متفاوتی یافته است اما همچنان به لحاظ فکری درباره جایگاه زنان به اندیشه‌های سنتی گرایش دارد.

در تحلیل گفتمان سنتی از زن، نشانه‌ها حول دال مرکزی نابرابری ذاتی زن و مرد تثبیت شده‌اند. «در این گفتمان که نابرابری در جایگاه دال مرکزی قرار دارد، نشانه‌هایی چون اقتدارگرایی، سلسله‌مراتب اجتماعی، بدبینی نسبت به حضور اجتماعی، تأکید بر نقش طبیعی و نص‌گرایی از جمله دال‌های شناوری بودند که با استناد به دال مرکزی در مورد نگاه به زن معنادار می‌شدند» (قوام و اسدی، ۱۳۹۳، ۱۶). در گفتمان زن سنت‌گرا نیز همین



گفتمان مورد توجه خواهد بود اگرچه همان‌طور که گفته شد ممکن است زن سنت‌گرا در برخی موارد مانند حضور اجتماعی تغییراتی را تجربه کرده باشد.

اهمیت فهم جایگاه زنان در گفتمان سنت‌گرا که به یکی از گفتمان‌های قوی و ریشه‌دار مرتبط است و رقابت آن با انواع گفتمان‌های موجود زنان به‌خصوص در فضای رسانه‌های جدید که عرصه بیان نظرات و دیدگاه‌های مختلف و گاه متضاد با گفتمان رسمی است، می‌تواند چشم‌اندازی از وضعیت این گفتمان‌ها در میان کاربران رسانه‌های اجتماعی که نماینده بخشی از افکار عمومی هستند، باشد و از طرفی به دلیل تأثیرگذاری و تأثیرپذیری گفتمان‌ها و کردارهای اجتماعی، می‌توانیم به فهم بهتری از روندهای اجتماعی پیش‌رو دست یابیم. همچنین فهم کردارهای اجتماعی که این گفتمان‌ها به آنها وابسته هستند، می‌تواند در زمینه سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری و برنامه‌سازی رسانه‌های جریان اصلی کمک‌دهنده باشد.



به این ترتیب هدف این مقاله، در وهله اول، فهم گفتمانی است که این ویدئو از زن ارائه می‌کند و در وهله دوم فهم خوانش‌های کاربران است و سؤال اصلی تحقیق این است که ویدئوی تشت شیر به چه نحوی گفتمان زن سنتی را ارائه می‌کند؟ و این ویدئو در میان کاربران اینستاگرام به‌عنوان یک رسانه اجتماعی عمومی فیلتر نشده پرکاربر در ایران چه دریافت‌هایی را ایجاد می‌کند؟

برای پاسخ به پرسش‌های فوق، ابتدا چارچوب نظری مقاله توضیح داده می‌شود. سپس دو روش تحقیق مورد استفاده در این مقاله یعنی تحلیل گفتمان انتقادی و روش تحلیل محتوا توضیح داده خواهند شد. در قسمت بعد، یافته‌های تحقیق در مورد روش تحلیل گفتمان انتقادی و همچنین نتایج تحلیل محتوای کیفی مربوط به خوانش‌های مسلط-هژمونیک، مذاکره‌ای و متضاد کاربران از ویدئوی مذکور بیان می‌شوند.

۲. چارچوب نظری

در این مقاله از دو رویکرد نظری متناسب با سؤال‌ها و روش تحقیق بهره گرفته‌ایم. به این دلیل که «نمی‌توان از تحلیل گفتمان به‌منزله روشی تحلیلی و منفک از بنیان‌های



نظری و روش شناختی‌اش استفاده کرد» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹، ۲۱)، رویکرد نظری اول تحلیل گفتمان انتقادی با تأکید بر آرای فرکلاف^۱ است تا در بخش روش‌شناسی نیز وجوه کاربردی آن را بیان کنیم و دومین رویکرد، نظریه دریافت با تأکید بر نظریه کدگذاری/کدگشایی استوارت هال^۲ است.

۲-۱. تحلیل گفتمان انتقادی

تحلیل گفتمان انتقادی، رویکردهای مختلفی دارد که از میان آنها در این پژوهش، رویکرد نورمن فرکلاف مورد توجه قرار گرفته است. البته رویکردهای مختلف تحلیل گفتمان، از برخی جهات مشترک‌اند مانند: «خصلت زبانی-گفتمانی، داشتن فرایندها و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، سازنده و محصول بودن همزمان گفتمان، لزوم تحلیل کاربرد زبان به صورت تجربی و درون بستر اجتماعی خود، کارکرد ایدئولوژیک داشتن و تحقیق انتقادی» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹، ۱۱۴-۱۱۰).

«مدل فرکلاف سه‌وجهی است. در واقع هر تحلیل باید بر چند مورد متمرکز شود: (۱) متن؛ ویژگی‌های زبان متن؛ (۲) کردار گفتمانی: فرایندهای مربوط به تولید و مصرف متن؛ و (۳) کردار اجتماعی: کردار اجتماعی گسترده‌تری که رخداد ارتباطی به آن تعلق دارد.» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹، ۱۲۰). سلطانی (۱۳۸۴، ۶۸-۶۴ به نقل از فرکلاف، ۱۹۹۵) در توضیح این موارد می‌نویسد: «تحلیل متن در واقع تحلیل ساخت‌های زبانی و ویژگی‌های صوری متن است (ص ۶۴). کردار گفتمانی حدواسط میان متن و کردار اجتماعی است و با استفاده از آن مردم از زبان برای تولید و مصرف متن بهره می‌گیرند و بدان طریق متن به کردار اجتماعی شکل می‌دهد و از آن شکل می‌گیرد (ص ۶۶). کردار اجتماعی نیز تحلیل جنبه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یک رویداد ارتباطی است.»

مدل فرکلاف که در کتاب‌های مختلف به تکمیل و توسعه آن پرداخته شده است، دارای نقاط قوت و ضعف خاص خود است. نظریه فرکلاف در میان نظریه‌های تحلیل گفتمان انتقادی دارای این نقطه قوت است که بر جزئیات زبانی متن تمرکز دارد و از درون متن

1. Fairclough

2. Stuart Hall

راهی به فهم کردار اجتماعی می‌گشاید اما نقطه ضعف این نظریه در دستیابی به فهم تحولات کلان است. سلطانی (۱۳۸۴) در این باره چنین اظهار نظر می‌کند: «چارچوب نظری فرکلاف از ابزارهایی بهره می‌گیرد که دقیقاً نشان می‌دهند که چگونه زبان باعث شکل‌گیری ذهنیت سوژه‌ها به شیوه‌ای خاص می‌شود. با استفاده از ابزارهای تحلیل زبانی مبتنی بر دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی^۱ در قالب زبان‌شناسی نقش‌گرا این رویکرد به راحتی می‌تواند چگونگی کارکردهای ایدئولوژیک زبان را نمایان سازد. این ابزارها نشان می‌دهند که تأثیر مبارزه میان گفتمان‌ها برای تثبیت معنای نشانه‌ها بر زبان چگونه است و زبان چه نقشی را در این میان ایفا می‌کند» (سلطانی، ۱۳۸۴، ۱۰۹). در عین حال «نظریه فرکلاف نمی‌تواند توصیفی جامع از تحولات کلان سیاسی - اجتماعی به دست دهد» (سلطانی، ۱۳۸۴، ۱۰۸).

مدل سه‌وجهی فرکلاف در مرحله روش، بر مبنای توصیف، تفسیر و تبیین عمل می‌کند که در بخش روش توضیح داده خواهد شد.

۲-۲. تحلیل دریافت^۲

از آنجاکه یکی از مسائل مهم این تحقیق نحوه خوانش و معنابخشی کاربران به این ویدئو و گفتمان حاکم بر آن است، نظریه دریافت در این زمینه کمک‌دهنده است. «پرسش اساسی نظریه‌های دریافت این است که چگونه بشر اطلاعات موجود در پیام را درک، تحلیل و از آنها استفاده می‌کند» (لیتل‌جان، ۱۳۸۴، ۳۰۸). نظریه‌های دریافت، توجه را به تعاملی جلب می‌کنند که آن را خوانش متن می‌نامند. «براساس نظریه دریافت، متن جدا از بافتار «خواندن» و «پاسخ» زندگی نمی‌کند. این نظریه، مخاطبان را فعال و متن را نامتعیین^۳ در نظر می‌گیرد و معنا را به‌عنوان امری که متعلق به متن یا خواننده است نگاه نمی‌کند بلکه معنا در تعامل خواننده-متن (بیننده-تصویر) ساخته می‌شود» (بارباتسیس^۴، ۲۰۰۵، ۲۷۱). یکی از نظریه‌پردازان معروف در این عرصه استوارت هال است. سه موضع فرضی در

1. Halliday
2. reception theory
3. indeterminate
4. Barbatsis





رمزگشایی گفتمان تلویزیونی از منظر هال موضع مسلط-هژمونیک، موضع مورد مذاکره و موضع متضاد هستند. هال در مورد این سه موقعیت می نویسد: «می توان سه موقعیت فرضی کدگشایی گفتمان تلویزیونی را شناسایی کرد. آنها باید از نظر تجربی آزمایش و پالوده شوند». «اولین موقعیت فرضی، موقعیت مسلط-هژمونیک است. وقتی تماشاگر پیام را برحسب ارجاع کدهای پیام کدگذاری شده، کدگشایی کند، ممکن است بگوییم که تماشاگر در حال عمل، درون کد مسلط است». «دومین موقعیت کد یا موقعیت مورد مذاکره است. به احتمال زیاد مخاطبان می فهمند که چه چیزی به طور مسلط تعریف شده است و به طور حرفه ای مورد دلالت قرار گرفته است. کدگشایی درون نسخه مذاکره ای، ترکیب عناصر توافقی و متضاد را در بر می گیرد». در موقعیت فرضی سوم «ممکن است تماشاگر جنبه های لفظی و ضمنی گفتمان را کاملاً دریابد، اما پیام را به شیوه ای متناقض کدگشایی کند» (هال^۱، ۲۰۰۶، ۱۷۱-۱۷۲).

براین اساس، موقعیت های ذکر شده توسط هال در تحلیل محتوای کیفی مورد استفاده قرار می گیرند.

۳. روش پژوهش

در این مقاله از دور روش تحلیل گفتمان انتقادی و تحلیل محتوای کیفی برای پاسخ گویی به سؤالات تحقیق استفاده شده است.

برای فهم گفتمانی که از زن در ویدئو مطرح است، از تحلیل گفتمان انتقادی به روش فرکلاف استفاده شده است. مدل سه وجهی فرکلاف به توصیف، تفسیر و تبیین می پردازد. در سطح توصیف سه ارزش تجربی، رابطه ای و بیانی وجود دارد. طبق نظر فرکلاف (۱۳۸۷، ۱۷۱) «ویژگی صوری دارای ارزش تجربی، رد پا و سرنخی از روشی به دست می دهد که در آن تجربه تولید کننده متن از جهان طبیعی یا اجتماعی بازنمایی می گردد». «ویژگی صوری، دارای ارزش رابطه ای، رد پا و سرنخی از آن دسته از روابط اجتماعی به دست می دهد که از طریق متن در گفتمان به اجرا در می آید و با رابطه ها و روابط اجتماعی سروکار

1. Hall

دارد». (فرکلاف، ۱۳۸۷، ۱۷۲). در نهایت، «ارزش بیانی، با فاعل‌ها و هویت‌های اجتماعی سروکار دارد» (فرکلاف، ۱۳۸۷، ۱۷۲).

ویدئوی تحلیل‌شده حاوی ۲ دقیقه و پانزده ثانیه از یک برنامه احتمالاً ۴۵ دقیقه‌ای است که افق بهشت نام دارد و در سه میمای شبکه تابان (شبکه استانی یزد) پخش می‌شود. به این ترتیب بخشی که در رسانه‌های اجتماعی شایع شد، بخش گزینش شده از یک برنامه تلویزیونی بوده است که در رسانه اصلی یعنی تلویزیون مشاهده نشده است، بلکه پس از انتشار در رسانه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در این تحلیل با آگاهی از گزینش بخشی از گفتگو و بی‌اطلاعی از آنچه قبل و بعد از این بخش ویدئو گفته شده است به تحلیل آن می‌پردازیم.

برای فهم دریافت کاربران از این ویدئو، از تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. از جمله مشخصه‌های این روش، «اتکای فلسفی به پارادایم تفسیری برساختی، توجه فراوان به مقوله‌ها و مفاهیم در بستر معنایی خاص خودشان، کم‌توجهی به ابعاد عددی و شمارشی معانی و مفاهیم درون متن، تعیین مفاهیم و مقوله‌ها به صورت تکوینی، استقرایی و استقهامی، انعطاف پذیری و خلاقیت است» (محمدپور، ۱۳۹۲، ۱۱۰).

نمونه‌گیری، تحلیل محتوای کیفی به شیوه هدفمند است. در بازه زمانی نهم بهمن ۹۶ (۲۹ ژانویه) که اولین پست با تگ «تشت شیر» در اینستاگرام درج شده است، نمونه‌گیری به مدت هشت روز تا شانزدهم بهمن ۹۶ (پنجم فوریه) از طریق جستجوی تگ انجام شده است. در این مدت ۱۴۰ پست گذاشته شده است که ۱۱ مورد از آنها بی‌ارتباط به موضوع بوده و صرفاً برای جذب مخاطب از این تگ استفاده شده است. از ۱۲۹ پست مربوط، ۸۲ پست از طرف کاربران عادی بوده است که دارای هویت‌های کاربری گمنام و واقعی بودند. همچنین ۴۷ حساب کاربری پست‌های مرتبط گذاشته بودند که مربوط به فرد مشخصی نبوده است و برای انتشار دوبله، مسائل یک شهرستان خاص، کلیپ، دابسمش، مجلات، فروشگاه‌ها و غیره بوده است، نمونه این موارد فهقه لند، ترش و شیرین، چکیده و... بودند. از میان پست‌های مرتبط مواردی که برای اهداف این تحقیق مناسب نبود و امکان تحلیل خوانش کاربران از آنها وجود نداشت، جدا شد. به این ترتیب صرفاً ۲۴ پست مورد تحلیل قرار گرفت.



هرکدام از این پست‌ها تعدادی نظر^۱ نیز داشت که بسیاری از این نظرات صرفاً حاوی تأیید، فحش و ناسزا، شکلک‌های مختلف یا بحث‌های بی‌ارتباط به موضوع بودند که برای این تحقیق مفید محسوب نمی‌شدند. از میان کل نظراتی که روی این پست‌ها گذاشته شده بود، مواردی که امکان دریافت نظر کاربران از آنها وجود داشت جدا شدند که از نظر حجم ۳۹ کامنت شد. درواقع در مجموع ۶۳ پست و کامنت مورد تحلیل قرار گرفت.

۴. یافته‌های تحقیق

۴-۱. تحلیل گفتمان انتقادی ویدئوی «تشت شیر»

در متن مورد مطالعه این مقاله، تصویر و کلام، هر دو وجود دارد و از آنجاکه وجه کلامی آن در بخش بعدی مقاله به تفصیل توضیح داده شده است، در اینجا اشاره مختصری به وجه بصری داریم. از نظر تصویری شروع این ویدئوی ۲:۱۵ دقیقه‌ای یک نمای درشت از خانم کارشناس است که چادر کش دار به سر دارد و به نظر می‌رسد جلوی چادر زیپ یا دکمه دارد. او جوان است و روسری قرمز به سر کرده است. موقع صحبت به میز یا مجری نگاه می‌کند و دستش را تکان می‌دهد. در بخش عمده صحبت‌هایش لبخند بر لب دارد. در اواسط گفتگو که می‌خواهد زمان قرار دادن تشت را بگوید نما از درشت به متوسط تغییر می‌کند و مجری را می‌بینیم که او هم روسری روشن به سر دارد. در دکور برنامه بخش ثابتی از معماری سنتی به چشم می‌خورد که از لابه‌لای آن نماهایی از بناهای سنتی یزد به صورت زنده در حال نمایش است و هر دو فضای سنتی را تداعی می‌کنند. در اواخر ویدئو جایی که خانم کارشناس می‌خواهد دلایل بوسه زدن بر پای مرد را بگوید، مجدداً نما درشت می‌شود.

۴-۱-۱. توصیف

توصیف یک متن شامل ارزش‌های تجربی، ارزش‌های رابطه‌ای و ارزش‌های بیانی است. ارزش‌های تجربی بیانگر تجربه تولیدکننده متن از جهان طبیعی یا اجتماعی است. ارزش‌های رابطه‌ای مربوط به روابط اجتماعی است و ارزش‌های بیانی، ارزشیابی تولیدکننده از واقعیت است.



منظور از تولیدکننده در این ویدئو از یک سو سیمای یزد است که برنامه همسرانه را (که زیر مجموعه برنامه به افق بهشت است) تولید کرده و از سوی دیگر خانم کارشناس است که بخش عمده ویدئو، صحبت‌های اوست و به نظر می‌رسد تولیدکننده دوم نقش بیشتری دارد و از امکانی که تولیدکننده اول برایش فراهم کرده است، برای بیان نظرات خود بهره گرفته است.

ارزش‌های تجربی: اگر سیمای یزد را تولیدکننده این محتوا تلقی کنیم، از نظر ارزش‌های تجربی، گفتمان غالب، توصیه‌های سنتی در جهت استحکام نهاد خانواده را در بر می‌گیرد. از طرفی با توجه به چارچوب‌های ایدئولوژیک صداوسیما به طور کلی ارائه راهکار به شیوه قابل پیش محدود است و در نتیجه از کارشناسانی دعوت می‌شود که محتواهایی در محدوده‌های مجاز و با رعایت ایدئولوژی حاکم بر این رسانه بازگو شود. باید توجه داشت که یزد یکی از شهرهای سنتی ایران است که زمانی به‌عنوان دارنده پایین‌ترین آمار طلاق در کشور معروف بود که این روند در سال‌های اخیر تغییر کرده است. شاید برنامه‌سازان نگران این آمار هم بوده‌اند.

اما اگر خانم کارشناس را تولیدکننده در نظر بگیریم، خود «طرفدار» تجویزی است که ارائه می‌دهد. اگرچه او در ابتدای صحبت خود اشاره می‌کند که خانم‌ها «می‌توانند» این کار را انجام دهند و ظاهراً آن را در قالب یک «پیشنهاد» مطرح می‌کند اما در ادامه، شیوه بیان او به گونه‌ای است که گویی «تجویز» می‌کند. او دستورالعمل کاملی ارائه می‌دهد و با طرح مزایای آن مخاطب را به انجام آن ترغیب می‌کند. این دستورالعمل دارای جزئیات، محتویات مشخص (آب یا شیر، گلاب، گلبرگ، نمک دریا)، زمان و مکان مناسب (عصر جمعه، آقا لم داده) مرحله پیشرفته‌تر (شیر) است که با لفظ کولاک بیان می‌شود. ترتیب انجام و مراحل آن توسط زن نیز جزئی از دستورالعمل است: «قراردادن پا در تشت آب، ماساژ آرام، خشک کردن با حوله، بوسه زدن».

از نظر واژگانی استفاده از واژه‌های «آقا» و «آقایی» و در یک جا «مرد» به جای همسر یا شوهر، بیانگر گفتمان سنتی است زیرا به جای همسر یا شوهر که نقش اوست بر جنسیت او یعنی آقا یا مرد بودن تکیه و بر مزیت ذاتی او تأکید می‌شود. البته او درباره زنان نیز از واژه «خانم» استفاده می‌کند. همچنین استفاده از «تشت آب» یا «تشت شیر» که کلیدواژه این



و یدئو شده است، خود به یک ابزار سنتی اشاره دارد که در بافتار زندگی سنتی در دسترس تر است. تشت عموماً روی زمین گذاشته می‌شود و کسی که تشت را می‌گذارد و برمی‌دارد موقعیتی هم‌سطح زمین پیدا می‌کند و این نشانه‌ای از موقعیت پایین تر تشت‌گذار است. باتوجه به اینکه این تشت آب قرار است زیر پای آقا گذاشته شود، این مسئله در ذهن مخاطب تصویر می‌شود که زن بالقوه از نظر موقعیت بدنی در جایگاهی پایین تر از مرد قرار می‌گیرد. خود پاشویه در طب سنتی و متون دینی برای ادای احترام یا خواص درمانی توصیه شده است. تضاد معنایی موجود در این سخنان، تضاد میان زن و مرد است. زن مؤثر و معجزه‌گر و مرد بی‌توجه، گرفتار و بدرفتار. مرد با واژه‌های «استرس»، «تنش عصبی»، «بدرفتاری»، «بیکار»، «معتاد»، «زدن»، «لم دادن» و «نشستن» و زن عموماً با افعالی مانند «انجام دادن»، «گذاشتن»، «جبهه می‌گیرن»، «می‌ریزی»، «استفاده کن»، «می‌ذاری»، «انجام بده»، «آماده کن»، «برو»، «بذار»، «جادوی عشقت کنم»، «بفهمونم»، «دوست دارم»، «عاشقتم»، «بهت نشون بدم»، «بهت بفهمونم»، «ماساژ بده»، «خشک کن»، «بوسه بزن» همراه می‌شود. به این ترتیب زن با افعال متعدد حاوی نقشی مؤثر و تأثیرگذار است که مرد درگیر در فشارهای عصبی را با اعمالش تحت تأثیر مثبت قرار می‌دهد و به گفته خانم کارشناس وارد قلب او می‌شود. این خود حاوی یک وجه ایدئولوژی مردسالارانه است که زن را یک تنه دارای توانایی انجام همه کارها در زندگی خانوادگی تصور می‌کند.

ارزش‌های رابطه‌ای: در این ویدئو ما شاهد سه رابطه هستیم. اول، رابطه خانم کارشناس با مخاطبان فرضی که مخالف انجام این تجویز هستند. دوم، رابطه خانم کارشناس با مخاطبان فرضی خانم برنامه که به آنها توصیه می‌کند این تجویز را انجام دهند و از مزایای آن استفاده کنند. سوم، رابطه خانم کارشناس و مجری برنامه؛ این رابطه مبتنی بر اقتدار کارشناس و سکوت مجری است. البته اگر به نوعی مجری را هم بخشی از تولیدکنندگان متن بدانیم، بیشترین تمرکز روی رابطه خانم کارشناس با مخاطب زن اوست.

مخاطب مخالف سخنان خانم کارشناس در سه مرحله مورد اشاره مستقیم قرار می‌گیرد که بیانگر آگاهی کارشناس از نامتعارف بودن این تجویز است. این نامتعارف بودن سه بار از سوی زنان و یک بار از سوی مرد فرضی (که در صحبت‌های کارشناس تصویر می‌شود)





ارائه شده است. در مورد زنان در ابتدای صحبت با جمله «کاری که می‌خوام انجام بدم» خانم‌های عزیز و مطمئنم که در مقابلش جبهه می‌گیرن» مطرح می‌شود، همچنین بعد از ارائه تجویز که به بیان جمالتی از زنان می‌پردازد «حالا شوهر من خانه بیکاره، خوشترکار نمی‌ره، شوهر من معتاده، شوهر منو می‌زنه. هرچی که هست تو این کارو انجام بده و معجزه‌اش رو توی زندگی ببین» و بار دیگر در اواخر ویدئو بعد از بیان بوسه می‌گوید «خب چرا من باید این کارو انجام بدم» که هر سه این مضامین اشاره دارد به اینکه خانم کارشناس خود می‌داند که مخالفت‌های زیادی با این تجویز وجود دارد و زن امروزی به سختی می‌تواند چنین تجویزی را بپذیرد. اما نکته قابل توجه این است که مرد فرضی در صحبت‌های کارشناس نیز انتظار چنین عملی را ندارد. در گفتگو، جایی به موقعیت قرار دادن تشت زیر پای شوهر اشاره می‌کند که در آن بخش «آقا می‌گه می‌خوای چه کار کنی. نکنه می‌خوای جادو جنبلم کنی». البته باید توجه داشت که بیان مخالفت‌ها، خود می‌تواند ارزش بیانی داشته باشد و به اقناع‌پذیری گفتار کمک کند. در این متن «مخالفتان» چنین تجویزی، افرادی شتاب‌زده تلقی می‌شوند که اجازه نمی‌دهند چنین تجویزی ارائه شود.

کارشناس سعی می‌کند که با توجه به آگاهی از مخالفت‌ها، با بیان «مزایای تجویز»، آن را قابل انجام نشان دهد. این مزایا عبارت‌اند از: «شارژ شدن مردت تا یک ماه»، «گلاب برای استرس خوبه»، «دفع استرس و تنش عصبی از بدن مرد»، «پیشگیری از سکتۀ مغزی و قلبی در آقایون»، «وارد قلب مرد شدن از طریق رگ‌هایی که ماساژ می‌دهی»، «مانع بد رفتاری آینده مرد شدن». همچنین او با بیان حدیثی از پیامبر سعی می‌کند از گفتمان دین کمک بگیرد تا مخاطب دین‌دار را نسبت به انجام تجویز قانع کند.

از نظر شیوۀ بیانی، کارشناس با لبخند و با حالت محاوره‌ای صحبت می‌کند. رسمی نیست اما مؤدبانه است. او دارای لهجۀ یزدی است. خانم کارشناس مخاطبانش را زن تصور می‌کند و به آنها خطاب می‌کند «خانم‌های عزیز من» اما رسانه‌ای که برنامه را پخش می‌کند بالقوه مخاطبان متنوعی با جنسیت و سنین مختلف دارد و با توجه به امکان‌های جدید می‌توان پیش بینی کرد که هر محتوای رسانه‌ای می‌تواند با فضای گفتمانی متفاوت از رسانه مبدأ، در شبکه‌های اجتماعی منتشر شود.



در این متن، وجه جمله‌ها عموماً امری است زیرا کارشناس در حال ارائه دستورالعمل است. در واقع از مخاطب چیزی را می‌طلبد و مخاطب، مطیع و فرمان‌بردار است. استفاده از واژه «می‌خوام» از سوی زن در بیان عشق نیز نوعی بیان قصد است که باید از طرف مقابل تأیید شود و قطعی نیست. یا عبارت «قلب مرد اجازه نمی‌ده» که در واقع بیان قطعیت در مورد نتایج تجویز است یا عبارت «چرا من باید این کارو انجام بدم»، «چرا باید به پای آقا بوسه بزنم» چون از ابتدا با حالت تجویز دستورالعمل داده شده است، در اینجا باید‌ها نیز اشاره به وجه قطعی دستورالعمل دارد. از نظر استفاده از ضمائر در این متن از ضمائر «من» چندبار استفاده شده است، اما مهم‌ترین استفاده از ضمائر در این متن «من» هایی است که از جانب مخاطبان، اما از زبان کارشناس گفته می‌شود. در واقع کارشناس سعی می‌کند با این کار به مخاطب نزدیک‌تر شود و جهان را از منظر او ببیند و از زاویه او صحبت کند. مثلاً عبارات «شوهر من معتاده»، «شوهر منو می‌زنه»، «من چرا باید پای آقا رو بوسه بزنم» از زبان کارشناس و از موضع مخاطبان بیان می‌شود.

ارزش‌های بیانی: ارزشیابی تولیدکننده از متن، مثبت با لبخند و مهربانی و گاهی هیجان همراه است. او می‌داند که مخالفانی برای این دیدگاه وجود دارد و از طریق بیان مزایای تجویز، ارزشیابی مثبت او از متن بیان می‌شود. در مورد ویژگی‌های دستوری ارزش‌های بیانی، بحث استفاده از جملاتی که بر حقیقت مطلق تکیه دارند، مطرح می‌شود. در این ویدئو در بیان مزایای تجویز می‌گوید: «تمام استرس و تنش عصبی از بدن مردت دفع می‌شه» یا «از سکنه مغزی و قلبی در آقاییون جلوگیری می‌کنه» یا «از رگ‌ها وارد قلب مرد می‌شی» که همه اینها دارای افعال حال ساده هستند. به این ترتیب وجود دیدگاهی شفاف نسبت به جهان، بدون نیاز به تفسیر یا بازنمایی معنی موردنظر به مخاطب منتقل می‌شود.

۱-۴-۲. تفسیر

از نظر بافت موقعیتی و رابطه آن با متن، یکی از جنبه‌ها محتوای ویدئو است. این محتوا تجویز عشق‌ورزی زنان به همسرانشان از طریق شستن پای آنها در تشت آب است. فاعلان این رابطه را می‌توان در چند سطح تعیین کرد؛ در یک سطح، شاهد یک کارشناس و مجری هستیم که مخاطب زن را مدنظر دارند. در سطح دوم، در صحبت‌های خانم کارشناس

رابطه‌ای میان زن فرضی که به تجویز عمل می‌کند و همسرش به تصویر کشیده می‌شود که در آن زن، کنش‌گرانه سعی می‌کند عشق را به قلب مرد هدیه کند درحالی‌که از نظر روابط، قدرت زن درعین کنش‌گری در جایگاه پایین‌تری قرار دارد هم از نظر فیزیکی که در حال شستن پا در تشت است و هم از جنبه تعامل زوجین، این مرد است که می‌تواند حتی باوجود کتک زدن، اعتیاد یا سرکار نرفتن از این مزیت برخوردار شود. این رابطه به‌نوعی بیان‌گر نابرابری روابط زن و مرد است حتی در حالت خوش‌بینانه بازکردن وظیفه بهبود وضعیت به‌صورت یک‌طرفه بر دوش زن است. سطح سوم رابطه کارشناس و مجری است که در این رابطه اقتدار کارشناس به چشم می‌خورد. خانم مجری جز در یک موقعیت به بحث ورود نمی‌کند و عموماً ساکت است. در سطح چهارم و در رابطه کارشناس و مخاطب منتقد، شاهد این هستیم که کارشناس از آنها می‌خواهد جبهه‌گیری نکنند و اگرچه نظر آنها بیان می‌شود اما این نظر عجزولانه ارزیابی و رد می‌شود.

سنتی بودن این گفتمان هم از نظر واژگان، مثل لفظ «آقایی» و نوع راهکار ارائه‌شده یعنی «پاشویه» تأیید می‌شود. فضای استودیو بافتار سنتی یزد را نشان می‌دهد. در رابطه ترسیم‌شده از زن و مرد نشانه‌ای از اشتغال زن، استرس یا فشار عصبی او نداریم. او یک زن و مرد سنتی را ترسیم می‌کند. اما آنچه موجب می‌شود نویسندگان از لفظ سنت‌گرایی برای این گفتمان استفاده کنم، این است که تصویری که از خانم کارشناس وجود دارد با تصویر زن کاملاً سنتی متفاوت است. خانم کارشناس چادر کشی و روسری قرمز سر کرده و تمامی اجزای صورتش مشخص است. این نحوه پوشش با تصویری که از یک زن سنتی معتقد می‌شناسیم تفاوت‌هایی دارد. همچنین این خانم کارشناس است که تلویحاً به معنی داشتن تحصیلات دانشگاهی است. او اشاره می‌کند که «من توی کلاس می‌گم» که نشان‌گر داشتن فعالیت اجتماعی و احتمالاً اشتغال ازسوی اوست. همه این موارد تصویری نسبتاً متفاوت از نمونه زن کاملاً سنتی که خانه‌نشین بود و هیچ‌گونه فعالیت اجتماعی نداشت یا نهایتاً فعالیتش به جلسات، محدود می‌شد، نشان می‌دهد. اما این خانم کارشناس حداقل بر مبنای این ویدئوی کوتاه قائل به همان گفتمان سنتی است و راهکاری سنتی برای عشق‌ورزی ارائه می‌کند. از این‌رو در این مقاله از لفظ «زن سنت‌گرا» برای وی استفاده شده است.



باید توجه داشت که نهاد رسانه ملی، هویت بخش فاعلان و نوع تجویز است. این نهاد دارای محدودیت‌هایی برای پخش است و در کنار آن عموماً گفتمان حاکم در مورد نظام خانواده، گفتمان سنتی است که در سریال‌ها، برنامه‌های تلویزیونی و گفتگوها بازتولید می‌شود. این برنامه نیز بازتولید گفتمانی عامیانه از نقشی است که زن در زمینه حفظ زندگی مشترک دارد. به همین ترتیب، سناریوهای نحوه عشق‌ورزی میان همسران نیز درون این گفتمان بازتولید شده است.

برخی پیش‌فرض‌ها نیز در متن به چشم می‌خورد مثلاً نامتعارف بودن تجویز و جبهه‌گیری قطعی زنان نسبت به آن، اولویت داشتن حفظ زندگی برای زنان به‌رغم مشکلات و کمبودها از ناحیه مرد، توانایی زن و مسئولیت او برای حفظ و احیای یک‌تنه محبت و عشق در رابطه با همسر.

کنش گفتاری موجود در این ویدئو دستورالعملی است که کارشناس ارائه می‌دهد که قابل انتظار است اما منحصر بودن تجویز به زنان مسئله سلسله مراتب جنسی را ایجاد می‌کند.

۱-۴-۳. تبیین

در مرحله تبیین، هدف توصیف گفتمان زن سنت‌گرا به‌عنوان بخشی از فرایندهای اجتماعی کلی‌تر یعنی روابط زنان و مردان، درون نهاد خانواده و جامعه است. در وهله اول باید توجه داشت که این ویدئو در سیمای یزد تولید و منتشر شده است که یزد اگرچه شهری با بافتار و فرهنگی سنتی است و مدت‌ها به کم بودن آمار طلاق شهره بوده است، اما در سال‌های اخیر این روند تغییر کرده است و کاهش آمار ازدواج و افزایش طلاق به چشم می‌خورد که می‌تواند فرضیه تغییر در سازگاری سنتی زنان درون خانواده‌ها و تغییر نقش‌های همسری را مطرح کند. اما این ویدئو با ورود به فضای شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها مخاطبان فراوانی از سراسر کشور یافت که بسیاری از آنها به گفتمان زن مدرن وابسته بودند و همین امر کشمکش گفتمانی میان زن سنت‌گرا و زن مدرن را جدی‌تر کرد.

از آنچه در مرحله توصیف و تفسیر به‌طور مفصل به دست آمد، می‌توان این موضوع را مطرح کرد که گفتمان زن سنت‌گرا با بار کردن مسئولیت بیشتر بر دوش زن برای حفظ زندگی خانوادگی عملاً مناسبات قدرت را به نفع مرد جهت می‌دهد. درحالی‌که در گفتمان



مدرن تأکید بیشتری بر برابری زوجین در حفظ و بهبود روابط می‌شود و اگر یکی از طرفین کوتاهی کند راهکار قانونی پیشنهاد می‌شود. مثلاً در گفتمان مدرن برای وضعیت‌هایی که زن در عسر و حرج است یعنی اعتیاد، اعمال خشونت و ... راهکار قانونی پیشنهاد می‌شود یا در حالی که زن مدرن خود نقشی در جامعه دارد و احتمالاً درگیر تنش و فشار عصبی است راهکارهایی برای کاهش فشارهای او نیز ارائه می‌شود ولی در گفتمان سنتی که این ویدئوی کوتاه و البته گزینش شده نشان می‌دهد، چنین وضعیتی برای زن تصویر نشده است و به نوعی تقسیم کار همان صورت سنتی را دارد.

۲-۴. تحلیل دریافت کاربران از ویدئوی تشت شیر

پیش‌تر در قسمت مربوط به تحلیل دریافت، به سه خوانش مسلط-هژمونیک، مذاکره‌ای و متضاد که توسط استوارت هال ارائه شدند اشاره شد. در این قسمت به تحلیل محتوای هریک از این خوانش‌ها در بین کاربران پرداخته می‌شود. نتایج نشان می‌دهد هر سه خوانش مسلط، مذاکره‌ای و متضاد در میان کاربران وجود دارد که البته از نظر حجم، دریافت‌های متضاد در نمونه مورد مطالعه این تحقیق، هم از نظر کمی غلبه داشته است و هم از نظر کیفی متنوع‌تر و دامنه‌دارتر است و اگرچه تعداد زنانی که خوانش متضاد داشته‌اند بیشتر بوده، اما این نوع خوانش در میان مردان نیز وجود داشته است. این خوانش‌ها در دو بخش پست‌ها و نظرات به انجام رسیده اما در نوشتن تحلیل تأکید بر مضمون بوده و این دو تفکیک نشده‌اند.

۲-۴-۱. خوانش مسلط-هژمونیک

خوانش مسلط-هژمونیک خوانشی است که محتوای ویدئو را همان‌گونه که کدگذاری شده، کدگشایی می‌کند و درون همان گفتمان اصلی خوانش انجام می‌شود.

در مورد محتوای ویدئو، کاربرانی که خوانش آنها این بوده است که بازگشت این رفتار برای زن نتایج مثبتی دارد یا از تجربه‌هایشان گفته‌اند که کار سختی نیست و به خاطر عشق می‌توان از آن سخت‌تر را هم انجام داد و نباید برداشت عدم تساوی از آن کرد، جزو خوانش‌های مسلط-هژمونیک دسته‌بندی شده است. همچنین کسانی بودند که با تأکید بر بافتار موجود، بحث اضمحلال خانواده را مطرح کرده و این پیشنهاد را در این شرایط



مناسب دانسته‌اند و آن را در برخی خانواده‌ها مرسوم ارزیابی کرده‌اند. برخی نیز به مخالفان این نگاه اشاره کرده‌اند و غرب‌گرایی و بی‌بندوباری را درمقابل آن قرار داده‌اند و به‌همین دلیل از این گفتمان دفاع کرده‌اند. درمورد رسانه‌ای نیز که این محتوا را منتشر کرده است، برخی درمقابل انتقادات از سیما دفاع کرده‌اند و کارکنان آن را تحصیل کرده و در سطح خوبی ارزیابی کرده‌اند.

۲-۴-۲. خوانش مذاکره‌ای

در این خوانش کاربر متوجه خوانش مسلط می‌شود اما با توجه به موقعیت خود برداشتی از محتوا ارائه می‌دهد که نه پذیرش کامل پیام کدگذاری و نه رویکرد متضاد با آن است.

از میان نمونه‌های مطالعه‌شده این پژوهش، کسانی که خوانش مذاکره‌ای داشتند عموماً کسانی هستند که تجویز خانم کارشناس را یک «پیشنهاد»، «تجربه» و «یک روش» ارزیابی کرده‌اند. درواقع آنها از وجه الزامی بودن این تجویز کاسته‌اند. از طرفی بیشتر خوانش‌های مذاکره‌ای حول این مضمون بود که این رفتار می‌تواند دوطرفه باشد و خود خانم کارشناس هم نهی نکرده که شوهر نیز برای همسرش همین کار را انجام دهد. به این ترتیب حس برابری و تعادل بیشتری به این محتوا بخشیده‌اند. براساس نظرات برخی کاربران، آنچه موجب می‌شود این رفتار از سوی آنها پذیرفته شود، متناسب بودن آن با فرهنگ بومی، افزایش طلاق عاطفی و سردی روابط، افزایش صمیمیت و تقویت کانون خانواده است. وجهی که باعث می‌شود کاربران، خوانش مسلط-هژمونیک نداشته باشند و به جای آن خوانش مذاکره‌ای را برگزینند، یک طرفه بودن عمل از سوی زن و وجه تجویزی بودن و نحوه بیان و تعمیم آن حتی به شرایط اعتیاد همسر و غیره است. همچنین یکی از کاربران، از صداوسیما، که بستر انتشار این محتواست، حمایت کرده است و این برنامه را نشانه آزادی بیان و به طنز کشیدن آن را هم نشانه فضای پویای ارزشمند رسانه‌ای دانسته است.

۲-۴-۳. خوانش متضاد

در این بخش، در تحلیل محتوای مربوط به خوانش متضاد، سه بعد «محتوای ویدئو»، «صداوسیما» و «بافتار» تحلیل شده است.



الف. محتوای ویدئو

خوانش متضاد محتوای ویدئوی تشت آب را از نظر محتوای مطرح شده در قالب چند مقوله کاهش منزلت زن، کاهش منزلت مرد و عدم پذیرش آنها، مردستیزی، نامناسب بودن راهکار برای دوره جدید، برای مردان معتاد و رابطه با گفتمان دینی دسته‌بندی کرده است.

کاهش منزلت زن: برداشت برخی کاربران از این ویدئو و تجویز کارشناس، کاهش منزلت زنان بود که با تعبیری مثل برده‌داری، خفت و ذلت از آن یاد کرده‌اند. کاربران که چنین دیدی داشتند معتقد بودند، کرامت انسانی زن بالاتر از انجام این کار برای مرد است. همچنین یکی از کاربران، موفقیت جامعه را در طی کردن مسیر مقابل این، یعنی افزایش کارآمدی و عزت نفس زنان معرفی کرد.

کاهش منزلت مرد: برخی کاربران معتقد بودند که مردانی که برای همسرشان ارزش قائل باشند، چنین رفتاری را از زن انتظار ندارند و نمی‌پذیرند و کرامت مردان نیز بالاتر از پذیرش این موضوع است و این ویدئو را بیش از توهین به زن، توهین به مرد دانستند.

مردستیزی: برخی که برداشت زن‌ستیزانه از این ویدئو داشتند، واکنش تندی نسبت به آن اتخاذ کرده و به صورت تلافی جو یانه به جنس مرد تاخته‌اند و آنها را فاقد ظرفیت برای این کار دانسته یا آن را عافیت‌طلبی و شهوت‌رانی مردانه در اندرونی‌ها تعبیر کرده‌اند که موجب نابودی تمدن‌ها می‌شود.

نامناسب بودن راهکار برای مردان معتاد و...: بخشی از خوانش‌های متضاد به این دلیل صورت گرفته بود که کارشناس، معجزه عشق را حتی برای مردان معتاد و بیکار و... نیز مفید دانسته بود. کاربرانی که خوانش متضاد داشتند این را «صدور مجوز برای اعتیاد، بیکاری و همسرآزاری»، «پاشویی و بوسه برای مصونیت از دست شوهر» تعبیر کرده بودند و برخی با اشاره به خستگی زنان شاغل این عمل را نامناسب دانستند.

نامناسب بودن تجویز برای دوره جدید: درعین حال برخی اساساً گذاشتن تشت آب را شیوه نامناسبی برای ابراز علاقه در دوره جدید یا محیط شهری دانسته بودند. مثلاً نگین می‌نویسد: «هزاران راه آبرومندانه و مهارت خوب هست که به شستن پا متوسل نشویم. خود پیامبر فرموده‌اند که مطابق با زمانه زندگی کنید. شاید هزاران سال قبل تشت شیر جواب



می‌داد ولی در دنیای امروز با خرید یک شاخه گل یا یک جمله قدرشناسانه می‌توان همان کار را کرد» یا زن دیگری نظر می‌دهد: «می‌تونست بگه شونه‌های آقاتونو ماساژ بدید».

رابطه با گفتمان دینی: نظر برخی کاربران مورد مطالعه این تحقیق بیان‌گر این نکته است که این کار «بردن آبروی اسلام» است. مثلاً این گروه نوشته‌اند: با این کار تصویر درستی از دین ارائه نشده است. برخی نوشته‌اند که اسلام در هیچ جا به چنین موردی اشاره نکرده است. در عین حال نظراتی هم مطرح شده که به دلیل اعتقاد به اینکه اسلام دین مردسالاری است و گفتمان مطرح شده گفتمان دینی است با آن مخالف‌اند. در واقع هم معتقدان به دین و هم افراد بی‌اعتقاد به دین با توجه به نسبتی که میان دین و محتوای ارائه شده برقرار کرده‌اند، توانسته‌اند خوانش متضاد داشته باشند.

ب. صداوسیما

بخشی از خوانش‌های متضاد با مضامینی مربوط به سیمای یزد و به‌طور کلی تر صداوسیما برای انتشار چنین برنامه‌ای بوده است. یکی از موضوعات مورد تأکید این خوانش، جایگاه کارشناس در صداوسیما بود. کاربران در این دیدگاه‌ها عمدتاً به «نبود نظارت روی کارشناسان» اشاره کرده‌اند. برخی به برنامه با تعبیری مانند «مناسب عهد عتیق»، «اشتباه فاحش» و «گفتگوی اروتیک و زننده» یاد کردند. یکی از پست‌ها مربوط به یک تهیه‌کننده رادیو بود که او هم انتقاد داشت و می‌گفت: «من بیست ساله که برنامه خانواده تهیه می‌کنم، تا الان هیچ کارشناسی برای استحکام خانواده چنین پیشنهادی نداده». در همین زمینه، برخی پست‌ها تلاش نمایندگان زن مجلس برای برکناری مدیر تولید این برنامه از شبکه یزد را بازنمایی کرده بودند.

ج. بافتار

برخی خوانش‌های متضاد ناشی از این بود که این تجویز را متناسب با بافتار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران نمی‌دانستند. برخی آن را مخالف با فرهنگ بومی ایرانیان دانستند. برخی دیگر به بافتار تاریخی اشاره کرده و این عمل را دامن‌زننده به خشونت‌هایی که علیه زنان در تاریخ شده است، دانستند. بعضی کاربران چنین راهکاری را در تضاد با تلاش‌های زنان فمینیست برای احقاق حقوق زنان دانسته‌اند و گفته‌اند جایی که کفه ترازو به نفع مردان سنگین است نباید کاری کرد که این وزنه سنگین‌تر شود. این دسته از کاربران معتقدند،



تفکر برتری مرد بر زن چنین راهکارهایی را ایجاد می‌کند. برخی کاربران این رفتار را تعبیر به «عقب ماندگی و عدم توسعه» کردند و در مقایسه با کشورهای دیگر یا الگوهایی که از زن مؤثر مثل مگان مرکل که ویدئوی تلاش‌های حقوق بشری او هم‌زمان با ویدئوی تشت شیر منتشر شد، او را نمونه موفق یک زن فعال دانسته‌اند. برخی نیز با طرح این موضوع که مسائل دیگری در کشور اولویت دارد، چنین محتواهایی را دامن‌زننده به بی‌خبری از موضوعات مهم‌تر جامعه به خصوص مسائل معیشتی دانستند. در ادامه همین نگاه معیشتی، برخی به استفاده از شیر برای این کار انتقاد کرده و گفته‌اند با توجه به مشکلات معیشتی جامعه، اگر شیر باشد به جای پاشویه آن را می‌نوشند.

۵. نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد از مسیر مطالعه ویدئوی «تشت شیر» که انتشار آن در رسانه‌های اجتماعی به دلیل نوع گفتمانی که درباره زن ارائه می‌کرد واکنش‌های بسیاری را برانگیخت به دو سؤال مهم پاسخ داده شود:

سؤال اول درباره نوع گفتمانی بود که این ویدئو از زن ارائه می‌کرد که با روش تحلیل گفتمان انتقادی به شیوه فرکلاف به این چشم انداز دست یافتیم که این ویدئو با دستورالعملی نامتعارف برای ابراز عشق به همسر عملاً بار مسئولیت بیشتری را بر دوش زن برای حفظ زندگی خانوادگی می‌گذارد و با این کار، مناسبات قدرت را به نفع مردان قرار می‌دهد. این گفتمان که به دلیل نوع استفاده از واژگان، نوع راهکار ارائه شده و نشانه‌های بصری از سوی خانم کارشناسی که خود از موقعیت کاملاً سنتی برخوردار نیست (حداقل به دلیل داشتن شغل و تحصیلات) به عنوان گفتمان زن سنت‌گرا مطرح شد. گفتمان زن سنت‌گرا می‌تواند با افزایش نقش و مسئولیت یک‌سویه زنان در عشق‌ورزی به همسران به بازتولید مناسبات نابرابر میان زنان و مردان بپردازد. در نمونه مورد مطالعه این تحقیق، رسانه ملی نیز زمینه را برای بازتولید این گفتمان به دلیل سازگاری با ایدئولوژی حاکم بر این رسانه فراهم کرده است.

سوال دوم درباره دریافت کاربران از محتوای این ویدئو در اینستاگرام به عنوان یکی از



رسانه‌های اجتماعی محبوب در ایران بوده است که برای پاسخگویی به آن از تحلیل محتوای کیفی نمونه‌ای از کاربران اینستاگرام استفاده شد و دریافتیم در خوانش‌های کاربران در مورد این ویدئو تنوع وجود داشته است، به نحوی که هر سه نوع خوانش مسلط، مذاکره‌ای و متضاد در نظرات نمونه تحقیق به چشم می‌خورد، اما در خوانش‌های متضاد، تنوع و گستردگی بیشتری در مضامین دیده می‌شود. این خوانش‌ها در زمینه محتوا، رسانه منتشر کننده ویدئو و بافتار ارائه شد. در بخشی از خوانش‌های متضاد، رفتار پاشویی تنزل‌دهنده جایگاه زنان و مردان و نامناسب برای دوره جدید یا برای بخشی از مردان که معتاد یا بیکار و ... هستند (که در ویدئو این کار برای آنها هم مفید دانسته شده بود) در نظر گرفته شد.

راهکارهای سیاست‌گذاری این مقاله بیشتر حول محور رسانه و مخاطبان آن خواهد بود که با دو مفهوم مهم اخلاق رسانه‌ای و سواد رسانه‌ای کامل می‌شود. این ویدئو در بستر رسانه جریان اصلی، یک گفتمان سنتی از زن را ارائه می‌کند، در حالی که خوانش متضاد این گفتمان در رسانه‌های اجتماعی (که نمونه غیرقابل تعمیم این پژوهش از رسانه اجتماعی اینستاگرام است) نسبت به سایر خوانش‌ها برجسته‌تر دیده می‌شود. این برجستگی ناشی از تنوع مضامین، درون خوانش متضاد و دامنه‌دار بودن آن در این پژوهش است. این امر می‌تواند نشانگر کشمکش گفتمانی و حداقل تنوع گفتمانی درباره زنان در جامعه امروز ما باشد.

به این سبب پیشنهاد می‌شود رسانه ملی در برنامه‌سازی در حوزه خانواده به این گفتمان‌های متنوع توجه کند یا اگر نمی‌تواند به همه گفتمان‌ها فضا بدهد عمده‌ترین فضا را به گفتمان‌هایی بدهد که به گونه‌ای متعارف‌تر درباره روابط سالم میان زوجین صحبت می‌کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود که صداوسیما از مجریان زبده‌تر در این گونه برنامه‌ها استفاده کند تا مجری بتواند با طرح سؤالات مختلف و بیان دیدگاه‌های متنوع موجود در جامعه گفتگوی دوطرفه‌ای ایجاد کند.

از طرف دیگر، مکمل این بخش مخاطبان رسانه‌های جریان اصلی یا اجتماعی هستند که باید برای ارتقای سواد رسانه‌ای و رعایت اخلاق کاربری آنها تلاش شود. گفتمان زن سنت‌گرا یک گفتمان در کنار گفتمان‌های متعدد موجود در جامعه درباره زنان است. اما برخی واکنش‌ها به این ویدئو و خانم کارشناس مرزهای اخلاق را زیر پا گذاشته بود،



درحالی که انتظار می‌رفت با در نظر داشتن تنوع گفتمانی و تفاهم و همدلی، گفتمان متضاد را درک کنیم؛ اگرچه ممکن است آن را قبول نداشته باشیم. این رفتاری بود که به ندرت در میان کاربران به چشم می‌خورد. برای سیاست‌گذاری و بهبود اوضاع در این زمینه نیز باید یکی از مهم‌ترین مراکز سیاست‌گذاری را رسانه ملی و برنامه‌های پر بیننده‌تر آن بدانیم. یکی از راهکارهای پیشنهادی برای بهبود اخلاق کاربران، ساخت برنامه‌هایی است که در آنها افراد با تفاهم و همدلی نسبت به گفتمان‌های متنوع برخورد کنند. فرضیه محقق این است که از یک سو حمله زبانی و افراطی به افرادی از گفتمان‌های دیگر و از سوی دیگر اجازه ندادن به طرح دیدگاه‌های متنوع در برخی برنامه‌های رسانه ملی، خود دامن‌زننده به واکنش‌های افراطی کاربران است. فهم اینکه یک محتوای کوتاه و گزینش شده از یک برنامه طولانی منجر به حذف بخش‌هایی از محتوا شده است، که چه بسا آگاهی از آنها نگاه منصفانه‌تری را ایجاد می‌کند، از جمله نکاتی است که می‌توانست فضای اخلاقی‌تری پیرامون این ویدئو ایجاد کند که شاید با آموزش سواد رسانه‌ای بتوان تا حدودی به این مهم دست یافت. در این زمینه در کنار رسانه‌های جریان اصلی، نهادهای آموزشی، فرهنگی و مدنی می‌توانند به آموزش سواد رسانه‌ای به مخاطبان بپردازند.



منابع

- سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۴). قدرت، گفتمان و زبان سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر نی.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۸۷). تحلیل انتقادی گفتمان در عمل: توصیف (مترجم: پیروز ایزدی). در تحلیل انتقادی گفتمان (صص ۲۱۲-۱۶۷)، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، تهران، ایران.
- قوام، سیدعبدالعلی؛ و اسدی، مشکات (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی جایگاه زن در گفتمان‌های مختلف تاریخ معاصر ایران. فصلنامه مطالعات میان‌فرهنگی، ۹(۲۳)، ۳۹-۹.
- لیتل‌جان، استیون (۱۳۸۴). نظریه‌های ارتباطات (مترجم: سیدمرتضی نوربخش، و سیداکبر میرحسینی). تهران: انتشارات جنگل.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش ۲. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- یورگنسن، ماریان؛ و فیلیپس، لونی (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان (مترجم: هادی جلیلی). تهران: نشر نی.
- Barbatsis, G. (2005). Reception theory. In K. Smith, S. Moriarty, G. Barbatsis, K. Kenney, *Handbook of Visual Communication: Theory, Methods, and Media* (pp. 271-293), Routledge, New York.
- Hall, S. (2006). Encoding/Decoding. In M. G. Durham, & D. M. Kellner, *Media and Cultural Studies Keywords* (pp. 163-172), Blackwell Publishing, Oxford.

